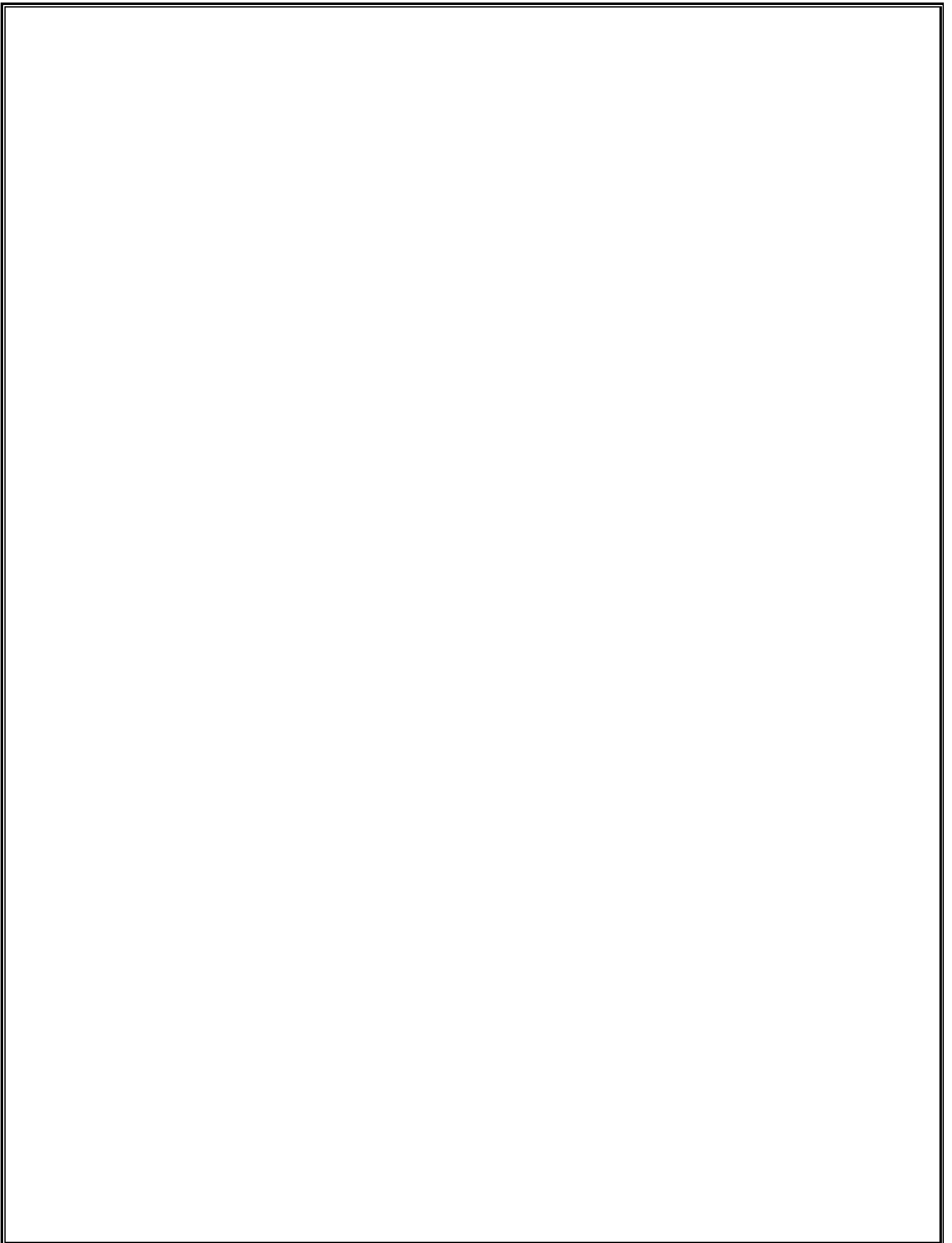


امامت شرط انحصاری توحید
با نگاهی به حدیث «سلسلة الذهب»

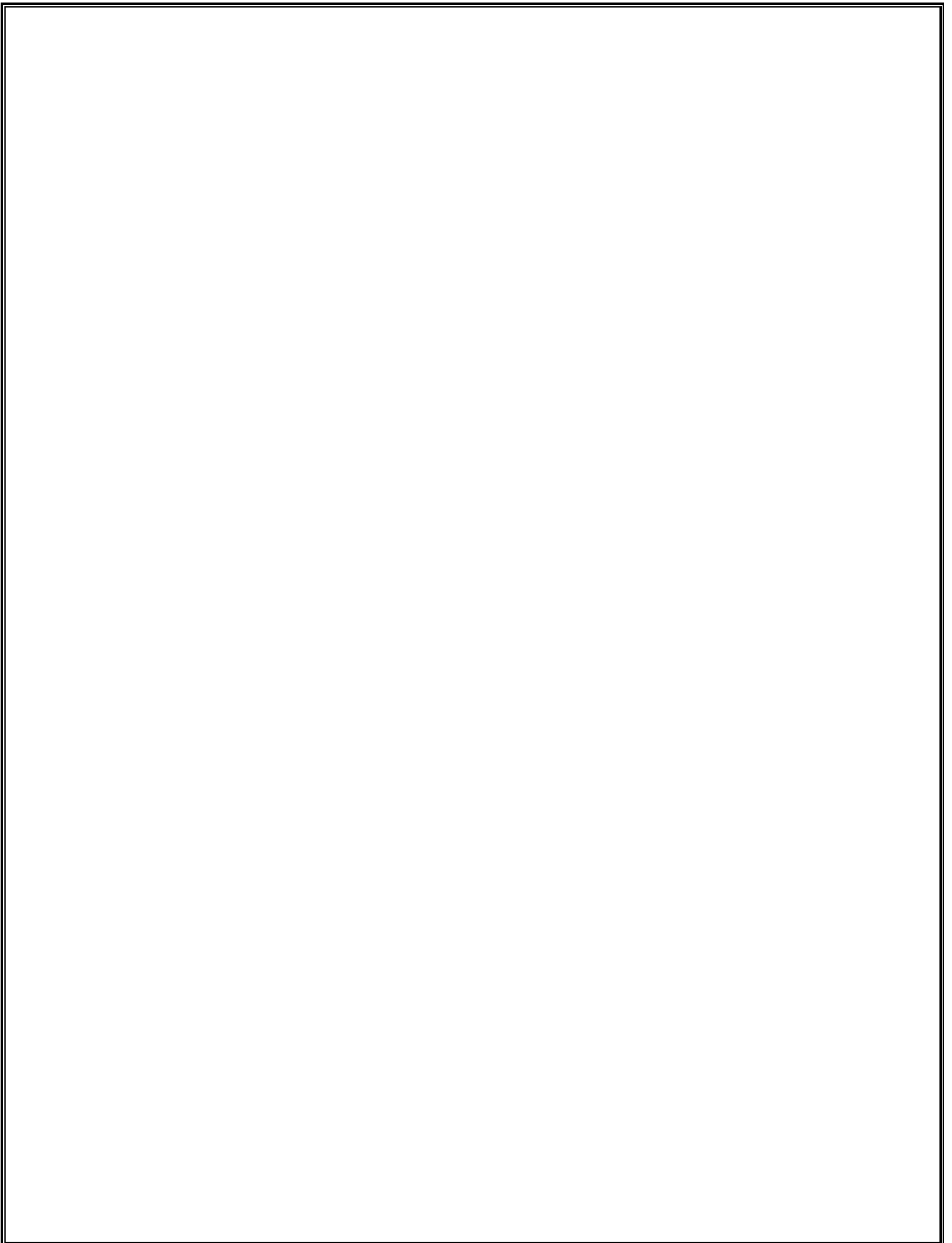
نویسنده

علیرضا احمدی

مرکز حقایق اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده

امام رضا علیه السلام وقتی که وارد نیشابور شدند حدیثی را ارائه فرمودند به نام سلسله الذهب که همه دانشمندانی که آنجا بودند و غالباً اهل سنت بودند این حدیث شریف را به نگارش در آوردند، ظاهر این حدیث در باب توحید است ولی در واقع حضرت امامت را معرفی کنند و شرط ورود به توحید را پذیرفتن امامت امام معصوم اعلام می کنند.

و اگر کسی امامت را قبول نکند نمی تواند به باب توحید ورود پیدا کند زیرا شرط توحید را که امامت است ایجاد نکرده است.

کلمات کلیدی

امام رضا علیه السلام، سلسله الذهب، امامت، اهل سنت، لا اله الا الله.

مقدمه

سلسله الذهب، واژه ای است که یاد آور ورود تاریخی امام رضا علیه السلام به نیشابور و استقبال بی نظیر مردم به ویژه دانشمندان و محدثین بنام اهل سنت و ثبت آن توسط بیست هزار کاتب و محدث است.

حاکم نیشابوری شافعی در تاریخ خود می نویسد:

امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری قمری وارد نیشابور شد.^۱

در کتب اهل سنت دو روایت، مختلف از نظر دلالت، اما از لحاظ سند متحد، به عنوان حدیث سلسله الذهبی که از امام رضا علیه السلام در نیشابور صادر شده، منعکس شده است: اول: حدیث حصن، دوم: حدیث ایبان.

نگارندگان سلسله الذهب: تعداد گزارش گران جریان با عظمت و باشکوه امام رضا علیه السلام در نیشابور را ده هزار^۲، بیست هزار^۳ و سی هزار تن^۴ نیز گزارش کرده اند که روایت بیست هزار، مشهور است.

حدیث سلسله الذهب حدیث قدسی منقول از امام رضا علیه السلام در باب توحید و شروط آن است. امام رضا علیه السلام این حدیث را هنگام عبور از نیشابور به طرف مرو بیان کردند. راویان این حدیث همگی امامان معصوم اند تا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و سرانجام به خداوند می رسد. به همین دلیل این حدیث را «سلسله الذهب» به معنای «زنجیره زرین» توصیف کرده اند.

۱. فراند السبطين فی فضائل المرتضى والتول والسبطين والائمة من ذريتهم عليهم السلام، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۴۷۸، به نقل از تاریخ نیشابور

۲. مهمان نامه بخارا ص ۳۴۵

۳. الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة عليهم السلام ص ۲۴۳

۴. وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم عليهم السلام، ص ۲۲۹

متن حدیث حِصْن:

قال علیّ ابن موسی الرضا علیهما السلام، حدّثنی أبی موسی الكاظم، عن أبیه جعفر الصادق، عن محمد الباقر، عن أبیه علیّ زین العابدین، عن أبیه الحسین الشهید بکربلاء، عن أبیه علی بن أیطالب علیه السلام، قال: حدّثنی حبیبی وقرّة عینی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، قال: حدّثنی جبرائیل، قال: سمعت ربّ العزّة سبحانه و تعالی بقول: کلمة لا إله إلاّ الله حصّنی فمن قالها دَخَلَ حصّنی ومن دخل حصّنی أمن من عذابی؛

امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم، از پدرش امام صادق، از پدرش امام باقر، از پدرش امام سجاده، از پدرش امام حسین، از پدرش امام علی، نقل کرده اند که، علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: جبرئیل عرض کرد: «از خدای سبحان شنیدم که فرمود: جمله لا اله الا الله دژ من است پس هر که آن را بگوید، در دژ و حصار من داخل شده و از عذاب روز قیامت در امان خواهد بود.»^۹

سند و طرق روایت:

اگر چه جریان ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور و حدیث «حِصْن» را بیش از ده یا بیست و یا سی هزار تن ثبت و ضبط کرده اند؛ ولی متأسفانه همانند حدیث غدیر، که راویان بسیاری آن را ثبت کرده بودند، این حدیث نیز مهجور مانده و اسناد آن به هر دلیلی مفقود شده است.

به هر حال معروف است این حدیث را ابا صلت عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است، از این رو برخی تصور می کنند با تضعیف وی، حدیث از اعتبار ساقط می شود.

^۹ الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة علیهم السلام ص ۲۴۲-۲۴۳

پاسخ:

اولا بزرگان رجال اهل سنت، به اباصلت اعتماد دارند ثانيا، افزون بر اباصلت، افراد دیگری نیز این حدیث را از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند که به نام آنها و اباصلت اشاره می شود:

۱. امام جواد علیه السلام. جوینی شافعی^۶ و زبیدی حنفی^۷

۲. اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی. وی خادم و ملازم امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام بوده و این جریان مهم و تاریخی را با تمام جزئیات آن نقل می کند و اکثر قریب به اتفاق اهل سنت نیز روایت اباصلت را با طریق های مختلف نقل می کنند.^۸

۳. احمد بن عامر طائی. ابن عساکر دمشقی شافعی به سند خود این حدیث را از احمد بن عامر طائی نقل میکند.^۹

۴. احمد بن عیسی علوی. رافعی قزوینی شافعی روایت مزبور را به سند خود از احمد بن عیسی علوی نقل میکند.^{۱۰}

۵. احمد بن علی بن صدقة. ابو عبدالله محمد بن سلامة قضاعی شافعی این حدیث را از احمد بن علی بن صدقه روایت می کند.^{۱۱}

۶. محمد بن عمر واقدی. سبط بن جوزی حنفی، این روایت را از طریق واقدی نقل می کند.^{۱۲}

^۶. فراند السبطين فی فضائل المرتضى والتول والسبطين والائمة من ذريتهم عليهم السلام، ج ۲ ص ۱۸۹، ح ۴۶۶

^۷. الإتحاف بحب الأشراف، ج ۳، ص ۱۴۷

^۸. ينابيع المودة لذوی القربى عليهم السلام، ج ۳، ص ۱۲۲_۱۲۳_۱۶۸

^۹. تاريخ دمشق الكبير، ج ۵۱، ص ۲۵۳، ح ۱۱۴۷۳

^{۱۰}. التدوين فی اخبار قزوین، ج ۲، ص ۲۱۳

^{۱۱}. مسند الشهاب، ج ۷۲، ص ۳۲۳، ح ۱۴۵۱

^{۱۲}. تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة عليهم السلام، ص ۳۱۵

و راویانی دیگر که چون بنا به اختصار است در اینجا مجال برای ذکر آنها نیست.

ادامه روایت:

ألا بشر وطها و أنا من شروطها؛

آگاه باشید (لا اله الا الله) شروطی دارد و من از شروط آن هستم.

با این که در بیشتر کتب اهل سنت ادامه‌ی حدیث حذف شده، برخی از منصفین اهل سنت، مانند خواجه پارسای حنفی و قاضی بهجت آفندی شافعی، ادامه‌ی حدیث را که اشاره به مقام با عظمت و والای «امامت» دارد، نقل کرده اند:

محمد خواجه پارسای بخاری حنفی (۸۲۲ ه.ق):

عن أبي الصلت عبد السلام بن صالح بن سليمان الهروي قال: كنت مع علي الرضا رضي الله عنه حين خرج من نيشابور، و هو راكب بغلته الشهباء، فاذا أحمد بن الحرب، و يحيى بن يحيى، و إسحاق بن راهواه، و عدّة من أهل العلم، قد تعلقوا بلجام بغلته فقالوا: يا بن رسول الله بحق آبائك الطاهرين حدثنا بحديث سمعته عن أبيك عن آبائه (رضى الله عنهم). فأخرج رأسه الشريف من مظلمته و قال: لقد حدثني أبي موسى، عن أبيه جعفر، عن أبيه محمد، عن أبيه علي، عن أبيه الحسين، عن أبيه علي بن أبي طالب (رضى الله عنهم)، عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم أنه قال: سمعت جبرائيل عليه السلام يقول: سمعت الله (جل جلاله) يقول: إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدوني، من جاء بشهادة أن لا إله إلا الله بالاخلاص دخل حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي. و في رواية فلما مرّت الراحلة نادانا: إلا بشر وطها و أنا من شروطها.

قيل: من شروطها الاقرار بأنه إمام مفترض الطاعة

از اباصلت نقل شده است که گفت: به هنگامی که علی ملقب به رضا، خدا از او خشنود باد، سوار براستری خاکستری مایل به سیاه، از نیشابور خارج می شد همراهش بودم که در این هنگام احمد بن حرب و یحیی بن

یحیی و اسحاق بن راهویه و تعدادی دانشمند لگام استرش را گرفتند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! به حق پدران پاکت، حدیثی برای ما روایت کن که آن را از پدرت و از پدرانیت شنیده ای. پس سر مبارکش را از خرگاه بیرون آورد و فرمود: پدرم موسی از پدرش جعفر از پدرش محمد از پدرش علی از پدرش حسین از پدرش علی بن ابی طالب از رسول خدا روایت کرد که فرمود: از جبرئیل شنیدم که می گفت: از خداوند شنیدم که می فرمود: به راستی که من خداوندم که خدایی جز من نیست پس مرا بپرستید. هر که با شهادت و گواهی مخلصانه به لا اله الا الله بیاید در دژ من وارد می شود و هر که در دژ من داخل شود از عذابم در امان می ماند. و در روایتی چون کاروان حرکت کرد، به ما فرمود: آگاه باشید، شرطی دارد و من از شرط آن هستم. گفته شده است: از شرط کلمه اخلاص، اقرار به واجب بودن اطاعت از او به عنوان امام است.^{۱۳}

قاضی بهجت آفندی شافعی (۱۳۵۹ ه.ق)

ابوالصلت بن صالح می گوید: آن گاه که امام از نیشابور خارج گردید من نیز در رکاب او بودم. امام در حال عزیمت به خراسان، بر استری سفید سوار بود، جمعی از دانشوران خراسان از جمله: اسحاق بن راهویه، احمد بن حرب، یحیی بن یحیی، حضور امام شرفیاب گشتند و عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! با بیان روایتی که از آباء و اجداد پاکت شنیده ای ما را مسرور و مستفیض فرما. حضرت رضا علیه السلام در مقابل پرسش آنان، سر مبارک خود را از کجاوه خارج ساخت و فرمود:

إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَبِي مُوسَى قَلْبَ أَبِي: إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ إِنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ مِنْ أَبِي، مُحَمَّدَ الْبَاقِرِ
إِنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ مِنْ أَبِي، عَلِيَّ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ مِنْ أَبِي، الْحُسَيْنَ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ مِنْ أَبِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ

^{۱۳} فصل الخطاب لوصول الاحباب. بنابر نقل ینابیع المودة لذوی القربی علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۶۸

قال: إني سمعتُ من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: من قال لا اله الا الله دَخَلَ حصني فَمَن دَخَلَ حصني أَمِنَ من عذابي ثم قال: «ألا بشر وطها - وقال الامام - أنا من شروطها.»

معنای این حدیث که با سلسله امامت به حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می رسد چنین است:
«کلمه لا اله الا الله حصن و حصار من است هرکس که داخل حصن من گردد از عذاب من در امان است ولی باید به شروط کلمه ی طیبه نیز عمل نماید و من، از جمله شروط آن هستم.»^{۱۴}

دیدگاه اهل سنت درباره روایت حصن:

موافقین:

بزرگان اهل سنت درباره حدیث سلسله الذهب سخنان شگفتی بیان کردند که به بخشی از این سخنان اشاره می شود:

_ اباصلت هروی (۲۳۶ ه.ق)

وی در عظمت این حدیث، می گوید:

لو قرئ هذا الاسناد علی مجنون لأفاق؛

اگر این اسناد بر دیوانه ای خوانده شود هر آینه عاقل می شود.^{۱۵}

_ أحمد بن حنبل (۲۴۱ ه.ق)

وی یکی از پیشوایان فقهی اهل سنت است می گوید:

^{۱۴}. تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد علیهم السلام، ص ۱۵۷-۱۵۹

^{۱۵}. تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة عليهم السلام، ص ۳۱۵

لو قرأتُ هذا الاسناد على مجنون لبرئ من جنته؛

اگر این اسناد را بر دیوانه ای بخوانم از دیوانگی اش شفا می یابد.^{۱۶}

_ سیوطی شافعی (۹۱۱ ه.ق):

وی حدیث حصن را صحیح دانسته و می گوید:

حدیث صحیح.^{۱۷}

_ زرندی حنفی (۷۵۷ ه.ق):

وی نیز در عظمت حدیث حصن میگوید:

اللهم اجعلنا من الآمنين من عذابك يوم الفرع الاكبر، إنك أعلى و أجلّ و أجود و أكبر؛

خدایا؛ ما را در روز قیامت، از عذابت ایمن بدار، همانا فقط تو بلند مرتبه، جلیل، بخشنده و بزرگ هستی.^{۱۸}

و کلام های دیگر که مجال ذکر آنها نیست.

مخالفین:

برخی به گمان اینکه اباصلت هر وی تنها راوی سلسله الذهب حصن است، وی را تضعیف کرده اند و احادیث

نقل شده توسط وی از جمله حدیث حصن را بی اعتبار جلوه داده اند، در حالی که این مطلب، ادعایی بی دلیل

است و بزرگان اهل سنت این ادعا را رد کرده اند.

^{۱۶}. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۹۵

^{۱۷}. الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر، ص ۳۷۶، ح ۶۰۷۴

^{۱۸}. معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول عليهم السلام، ص ۱۶۶

با آنچه که بیان شد پیرامون حدیث سلسله الذهب نزد اهل سنت مشخص میشود که این حدیث از مقام والایی برخوردار است که حتی مخالفین هم نتوانستند سند حدیث را رد کنند.

مهمترین نکته ای که در این حدیث نورانی قابل توجه است شرط امامت کلید ورود به وادی توحید است و اگر کسی بخواهد در پرتو کلمه طیبه لا اله الا الله به مقام رستگاری برسد باید طبق فرمایش امام رضا علیه السلام از باب امامت اهل بیت علیهم السلام ورود پیدا کند، که در حقیقت سرچشمه توحید امام معصوم مفترض الطاعة است.

در واقع مطلب، شرط همه عبادات ولایت است، و اگر کسی ولایت امام منصوب از طرف خداوند متعال را نپذیرد و در سایه ولایت غیر امام معصوم خداوند را عبادت کند و در حیطه توحید بخواهد وارد شود از او پذیرفته نمی شود.

به عبارت دیگر إذا وُجِدَ الشرط وَوُجِدَ المشروط و إذا فات الشرط فات المشروط زمانیکه شرط این کلمه طیبه که امامت اهل بیت علیهم السلام است حاصل شد و بوجود آمد در این صورت مشروط که توحید هست حاصل میشود ولی در صورتی که شرط بوجود نیاید و از بین برود یعنی بدون پذیرفتن امامت اهل بیت علیهم السلام دیگر مشروط که همان توحید است بوجود نمی آید.

علاوه بر این روایاتی هم وجود دارد که بر این امر دلالت کند.

در نتیجه شناخت خداوند متعال در گرو شناخت امام معصوم علیه السلام است و اگر اهل بیت علیهم السلام نبودند خداوند متعال شناخته و پرستش نمیشد.

ویکی از لوازم این روایت، عصمت امام علیه السلام است زیرا کلمه طیبه لا اله الا الله و باب توحید دارای مصونیتی خاص است که غیر معصوم نمی تواند بعنوان باب و شرط ورود آن باشد چون در مقام شرط و مشروط، شرط از اهمیتی بیشتری برخوردار است.

فهرست منابع

۱. جُوینی شافعی، شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد (۷۲۲هـ.ق) فرائد السبطين فی فضائل المرتضى والبتول و السبطين والائمة من ذريتهم عليهم السلام، چاپ اول، موسسه المحمودی، بیروت ۱۴۰۰هـ.ق.
۲. خُنَجی اصفهانی حنفی، فضل الله بن روزبهان (۹۲۷هـ.ق) مهمان نامه بخارا، چاپ دوم، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، بی تا.
۳. ابن صَبَّاح مالکی، (۸۵۵هـ.ق): الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة عليهم السلام، چاپ دوم، دارالاضواء، بیروت ۱۴۰۹ق.
۴. خُنَجی اصفهانی حنفی، فضل الله بن روزبهان (۹۲۷هـ.ق): وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم عليهم السلام، چاپ اول، انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۵هـ.ش.
۵. شَبْرَاوی شافعی، شیخ عبدالله بن محمد بن عامر (۱۱۷۲هـ.ق): الإتحاف بحبّ الأشراف، چاپ اول، دارالکتاب اسلامی، ایران ۱۴۲۳هـ.ق.
۶. قُنْدوزی حنفی، سید سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴هـ.ق): ینابیع المودة لذوی القربى عليهم السلام، چاپ دوم، دارالأسوة، قم ۱۴۲۲هـ.ق.
۷. ابن عساکر شافعی، ابوالقاسم علی بن الحسین بن هبة الله (۵۷۱هـ.ق): تاریخ دمشق الكبير، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۱هـ.ق.
۸. رافعی قزوینی شافعی، عبدالکریم بن محمد (۶۲۳هـ.ق): التدوین فی اخبار قزوین، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۰۸هـ.ق.
۹. قضاعی شافعی، محمد بن سلامه (۴۵۴هـ.ق): مسند الشهاب، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۰۷هـ.ق.
۱۰. سبط بن جوزی حنفی (۶۵۴هـ.ق): تذکرة الخواص من الأئمة بذكر خصائص الأئمة عليهم السلام.
۱۱. افندی شافعی، قاضی بهجت (۱۳۵۰هـ.ق): تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد عليهم السلام، مترجم میرزا مهدی ادیب، چاپ دوم، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، ۱۳۷۶هـ.ش، تهران.
۱۲. ابن حجر هیشمی شافعی، ابوعباس احمد بن محمد بن محمد بن علی (۹۷۳هـ.ق): الصواعق المحرقة، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷هـ.ق.
۱۳. سیوطی شافعی، جلال الدینی (۹۱۱هـ.ق): الجامع الصغیر من حدیث البشیر، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۱۴. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف (۷۵۷هـ.ق): معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول و البتول عليهم السلام، تحقیق: محمد کاظم محمودی، چاپ اول، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم ۱۴۲۵هـ.ق.
۱۵. امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت، محمد حسن طبسی، انتشارات دلیل ما، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹